

مطلب یکصد و چهل و پنجم - میرزا تقی پریشان  
نامه ایست که جمالقدم جل جلاله بخط مبارک خود  
برای برادر خود میرزا تقی معروف به پریشان فرستاده‌اند

قوله تعالی : جناب میرزا تقی اصعده الله الی جبروت فضله هو الله تعالی شانه العزیز یا اخی و حبیبی مدتها گذشت که هر آن آن قرنی بوده و از آن جناب خبری مسموع نیفتاد باین جهت حزن لا یحصی وارد و خدای واحد شاهد حال بوده که در جمیع احیان در ذکر آن حبیب جان بوده‌ایم و بما کنت مستطیعا علیه دربارهُ آن جناب اهمال نرفته و نخواهد رفت و ما هو الا الدعاء و انه لهو الفعال لما یشاء و از شما بسیار بعید است که هیچ ذکری از این مسجونان در این امتداد زمان ننمودید البته این تأخیر از قضایای ربانی بوده و کذلک قضی الامر من لدن عزیز قدیر و اگر از امورات وارده باین عبد بخواهید مطلع شوید تالله لن یدکر بالقلم و لن یدجری علی المداد ولن یتم بالالواح و لن تحمله انفس العالمین و کان الله علی ما اقول شهیدا

باری حال در سجن مسجونم و ببلیای لا یعد مبتلا و ما اطلع بذلک و بما ورد علی الا الله المحصی العلیم و در جمیع رزایای وارده و بلایای متتابعه شاکر بوده و انشاء الله خواهیم بود و ما اراد الله لی هو مرادی و ما قصد هو مقصودی فی الآخرة و الاولی و زیاده از آنچه ذکر شد اگر مرقوم گردد البته بر حزن آنجناب بیفزاید لذا باین چند کلمه اختصار رفت امیدواریم از بدایع رحمت رحمانی و ظهورات مواهب سلطان عز صمدانی که لا زال آنجناب بر سریر عزت متمکن باشند و بر رفرق صحت متکی و لیس هذا علی الله بعزیز از خدا لقا طلبیم اگر چه مشکل بآن مرزوق شویم چه که قضا فوق رأس حاضر و منتظر است و انه لا یسئل عما یفعل و هو العالم الحکیم خدمت صاحبه والده عرض ذکر این غریب بعید معروض دارید . " انتہی